



برنامه سرپناه نیز «۱۰ اردیبهشت از ساعت ۱۰ تا ۱۱ از سیمای خلیج فارس روی آنتن می‌رود. این ویژه‌برنامه از بخش‌های کارشناسی، موسیقی، گزارش مردمی و ارتباط تلفنی تشکیل شده‌است. همچنین برنامه ویژه ارتباط با سایر مراکز در سیمای خلیج فارس، جمعه‌دهم اردیبهشت از ساعت ۹ تا ۱۰ روی آنتن می‌رود.

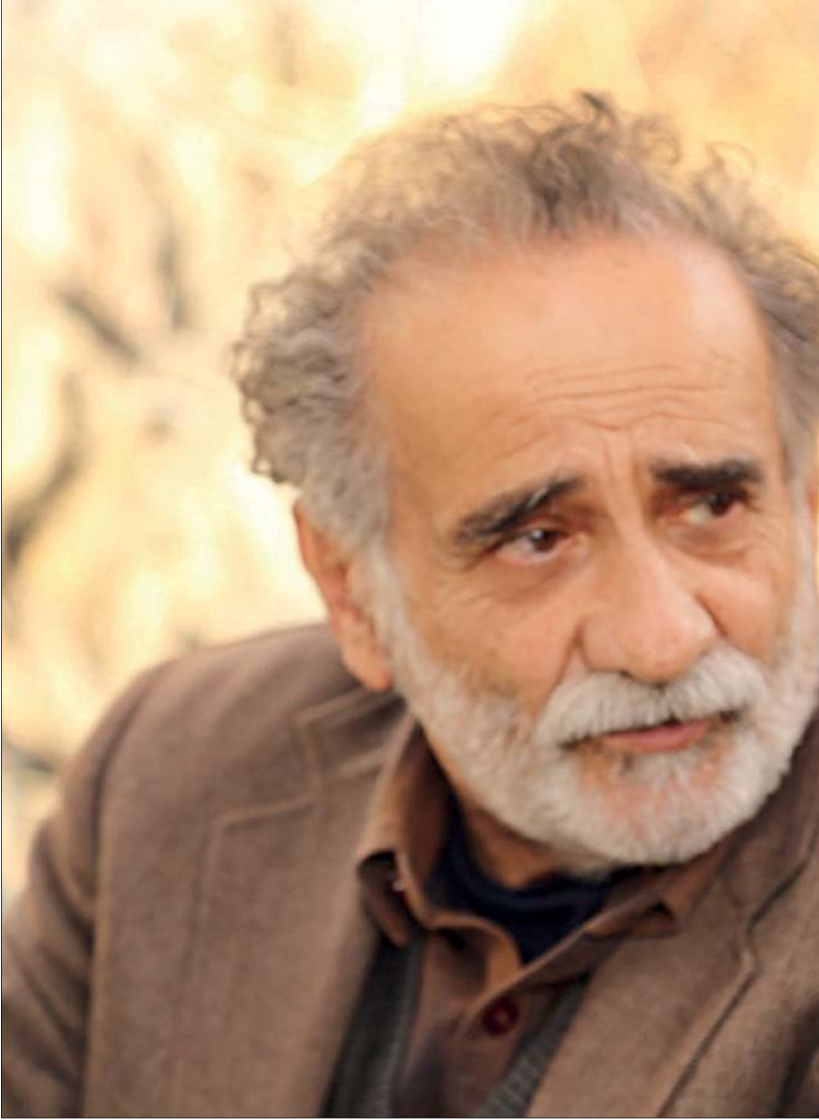
ملی و صیانت از نام خلیج فارس می‌پردازد. ترانه و گزارش ، آتونس، انعکاس برنامه‌های روز ملی خلیج فارس، مصاحبه با شاعران، معرفی حافظان خلیج فارس، مباحث کارشناسی و گزارش‌های مردمی از بخش‌های این ویژه‌برنامه است که به تهیه‌کنندگی فتنانه گیلیاردی، ۱۰ اردیبهشت از ساعت ۱۱ تا ۱۱ شنیده می‌شود.ویژه

بزرگداشت روز ملی خلیج فارس در رسانه استانی

در روز ملی خلیج فارس ویژه‌برنامه‌های «سرپناه» و «مرز پرگهر» و ارتباط با سایر مراکز، از صدا و سیمای مرکز خلیج فارس روی آنتن می‌رود. به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، ویژه‌برنامه مرز پرگهر از رادیو خلیج فارس علاوه بر انعکاس برنامه‌های روز ملی خلیج فارس در سطح استان هرمزگان، به تقویت هویت

مقدند شباهت هایشان بیشتر از تفاوت هایشان است

حشمت است؟



یاور وشهسپرزادی، د و رفیق قدیمی سریال یاور هستند که در نوشتنشان به یکدیگر گریه خورد هاست/ عکس: نادر پیرزاده



سریال ستایش بدل شده‌بود، در اینجا نقش اول مرد را بر عهده دارد. یاور، پدربزرگی سنتی است که همه خانواده زیر چتر حمایتی او هستند؛ خصلتی که از شخصیت حشمت فردوس هم سرغ داشتیم. به این ترتیب حضور عوامل مشابه سریال و نزدیکی حال و هوا و شخصیت‌پردازی‌ها باعث شده یاور با وجود قصه‌ای متفاوت برای بسیاری یادآور ستایش باشد. در اینجا نگاهی به این شباهت‌ها و تفاوت‌ها که این روزها زیاد دربراه‌اش صحبت می‌شود انداخته‌ایم، واکنش تهیه‌کننده و بازیگر سریال در این مورد را نقل کردیم، از تجربه اسپین‌آف‌سازی گفتیم و با یک منتقد گفت‌وگو داشتیم.

انه‌ها نشویم

دیگر شاهد هستیم و به جای این‌که فقط روی شباهت هادست بگذاریم باید به دنبال این بودکه اساسا ضرورت مطرح کردن بحث پدرسالاری، تغییر جایگاه آن و... در امروز چیست؟ باید دید آیا در این داستان، پدر فرزندانش را متناسب با خوبی‌های زمانه کنونی بار آورده است؟ اصرار بر گذشته دارد یا اصلا آنها را رها کرده؟ بهتر است بگوییم در این نوع نگاه به جامعه چه چیزی می‌خواهند بگویند؟ ضرورت این نگاه در جامعه امروز چیست؟ به چه دلیل ما قدرت سنتی به شکل پدرسالاری را با بر خوردهای جدید محک می‌زنیم؟ یا اصلا چه دلیل و ضرورتی وجود دارد که بر آن شکل از پدرسالاری اصرار و آن را برجسته کنیم تا بگوییم در معرض خطر است؟ و موارد مختلف جامعه‌شناسی و دراماتیک که هر کدام جای حرف دارند. از این زوایا هم می‌شود به این مجموعه نگاه کرد تا صرف آن‌که مدام بگوییم این کپی ستایش است. خلاصه‌که در این فضا تنها نباید به موضوع از نگاه کار خوب و بد و موج‌هایی که رسانه‌ها به راه انداختند نگاه کنیم و جادارد تا در مورد آن مسائل بزرگ‌تری را حتی در حوزه اجتماعی مطرح کنیم.

هیچ اثری، یکبار مصرف نیست

می‌توانیم در این فضا نقش کلاتر را داشته باشیم. می‌توانیم در این راستا به نقطه آغاز تصویب مجموعه و این‌که چه عواملی باعث شد تا فالان داستان در گروه فیلم و سریال تایید و ادامه‌دار شود برگردیم. گاهی برخی می‌گویند چون ایده تازه‌ای برای ارائه ندارم پس سراغ همان الگوهای قبلی می‌روم. این زاویه دید غلط است. اما می‌شود از زاویه دید دیگری هم به این موضوع پرداخت. مثلا از سیمافilm بپرسیم از نگاه شما ضرورت تصویب این داستان چه بوده؟ آیا خواست شما بوده که آن فیلم‌نامه‌نویس چنین قصه‌ای را بنویسد با همان عوامل؟

مثلا در بچه‌مهندس می‌گویند داستان مهم است و به همین دلیل کاراکتر فصل قبل تا الان تفاوت چندانی ندارد پس می‌شود پدر و دختر داستان همان باشند و نقش اصلی هم اگر ناسازگاری نمی‌کرد، همان می‌بود. درواقع اینجا داستان مشخصی در حال جلو رفتن است. در این بین بحث فضا و جهتی مطرح می‌شود که به وسیله آن می‌شود تولیدات تلویزیون را کسترش داد و به همین دلیل مهم این است که از چه زاویه‌ای در داستان‌ها و فکری که برای ادامه آن به اشکل مختلف دارند، پرداخته می‌شود.

فارغ از عملکرد نگاه‌های مدیریتی باید این را هم در نظر گرفت که هم بوده‌جه صداوسیما سخت می‌رسد، هم تولید در تلویزیون ذاتا دشوار است. به همین دلیل هیچ اثر و فکری در صداوسیما یک‌بار مصرف نیست و می‌شود بعدها از زاویه دیدهای مختلف به آن پرداخته شود.



نسبتا متفاوت

و اما در دوسریال ستایش یا همان حشمت و یاور، با وجود شباهت‌های بسیار که حتی در جریان قصه هم وجود دارد، با هم تفاوت‌هایی هم دارند: مانند ویژگی شخصت‌های اصلی ماجرا که در عین شباهت با هم متفاوت هم هستند. در ادامه به چند مورد اشاره کرده‌ایم.

زندگی متاهلی متفاوت



یاور و همسرش شوکت در این سریال زوجی‌اند که با وجود سال‌ها زندگی مشترک، هر کدام نگاه خود را به خیلی از مسائل دارند. در این بین شوکت خاتم البته هر از گاهی برای خودش قلدری‌هایی هم دارد، قلدری نه به معنی زورگویی بلکه از آن جهت که در برخی مسائل روی حرفش می‌ایستد و خلاف آنچه یاور می‌گوید را مطرح می‌کند. این نگاه البته باعث می‌شود نگاه مردسالار نهفته و گاهی آشکاری که یاور هم مثل حشمت درگیر آن است، گاهی به تعادل برسد. با همه اینها و با وجود مخالفت‌ها و اعمال نظریایی که شوکت در برابر همسرش می‌کند هنوز رابطه آنها خوب و صمیمانه است. این اتفاق البته در مورد حشمت فردوس کمتر وجود داشت و در آنجا می‌دیدیم اغلب حشمت هر طور که می‌شد حرفش را به کرسی می‌نشانند و بقیه هم باید چشم می‌گفتند. هرچند بارها علاقه به همسرش را ابراز می‌کرد. درواقع این شکل از برخورد هم جزو تفاوت‌های نسبی حشمت و یاور به حساب می‌آید.

دیکتاتوری‌ای که کم شد

بارها در طول این گزارش از اعمال نظرها و در واقع دیکتاتوری مشترک بین حشمت و یاور گفتیم. این‌که هر دو آنها در تلاشند تا کانون خانواده‌شان را آن‌طور که به نظرشان می‌رسد حفظ کنند. اما بین میزان این دیکتاتوری در حشمت و یاور تفاوت‌هایی وجود دارد. در مجموعه این شب‌ها، یاور کمی به‌روزر شده و هر از گاهی از حرف‌هایش کوتاه می‌آید. در حالی که حشمت گاهی حتی به شکل توهین آمیزی اعمال قدرت می‌کرد و از همه انتظار داشت تا صد در صد حرف‌هایش اجرا شود. در واقع نشدن برای او معنای چندانی نداشت، البته در فصل سوم، این جریان از جایی به بعد کمی تلطیف می‌شود اما اصل قصه همچنان پابرجاست. در یاور اما در کل، دوز این اعمال قدرت و تصمیم‌گیری برای همه مسائل کمی کمتر شده و تعامل نزدیک با نوه‌اش که از ابتدای سریال وجود داشت نه مثل ستایش از وسط قصه باعث شد این به‌روز رسانی بیشتر اتفاق بیفتد. با همه اینها یاور نیز همچنان تا حدی دیکتاتوری‌اش را دارد، ولی با احساسات و نرمش بیشتر در برابر دیگران به خصوص همسر و نوه‌اش که به واسطه آن هر از گاهی می‌نشیند و بدون آن خشم همیشگی‌اش آنها را می‌شنود.

مشتق قصه را بگیر

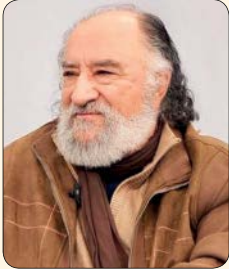
این‌که یک کارروایتی، مثل فیلم یا رمان از داستان یا مفاهیم مطرح شده در یک اثر مشتق شود را اسپین‌آف می‌گویند. با این تعریف که طبق آن برخی سریال‌های و فیلم‌های خارجی ساخته شده‌است، عده‌ای بر این باورند که می‌شود یاور را به گونه‌ای اسپین‌آف یا دنباله معنوی حشمت فردوس دانست. شباهت‌های میان شخصیت‌پردازی و لحن این دو شخصیت این باور را تقویت می‌کند.

همچنین در کلیت سریال، شباهت‌هایی با اثر پیشین نویسنده یعنی سریال ستایش نوشته

یاور، نقل دیگری است

در حالی که عده‌ای دست روی

همین شباهت‌های بیان شده میان سریال ستایش و یاور می‌گذارند، مصاحبه‌ای از داریوش ارجمند در زمان تصویربرداری سریال منتشرشده درباره شباهت شخصیت یاور در مجموعه تلویزیونی یاور با شخصیت حشمت فردوس در



سریال ستایش که گفته است: من هیچ‌گونه شباهتی بین کاراکتر حشمت فردوس با یاور نمی‌بینیم، یاور و حشمت هیچ شباهتی به هم ندارند. این دو شخصیت با وجود این‌که توسط یک نویسنده طر می‌شده‌اند و یک بازیگر نقش هر دو آنها را ایفا کرده، حتی روی کاغذ و در فیلم‌نامه هم شباهتی به هم ندارند و اصلا این‌گونه نیست که من به عنوان بازیگر تلاش کرده‌باشم یاور به حشمت فردوس شبیه نشود چراکه این تفاوت در شخصیت‌پردازی دو نقش وجود دارد و اگر کمی دقت کنیم متوجه تفاوت‌های کاملا مشخص در شخصیت‌پردازی آنها خواهیم شد. قضاوت کردن درباره سریال یاور هنوز خیلی زود است و باید این سریال را تا انتها دید و بعد درباره آن صحبت کرد. آثاری که سعید مطلبی می‌نویسد سریال‌هایی اجتماعی، اخلاق‌گرا و خانوادگی هستند که یاور هم حائز چنین ویژگی‌هایی است. امیدوارم مردم این سریال را ببینند و از دیدن آن لذت ببرند.

شغلی دیگر

یکی از این موارد شغل این دو شخصیت اصلی است که در عین شباهت از نظر اوضاع و احوال مالی در اصل ماجرا با هم تفاوت دارد. حشمت پیر میوه و تره‌بار بود و یاور اما با وجود این‌که بازهم شغل آزاد دارد اما در حوزه رستوران‌داری مشغول است. در اصل شغل آزاد شباهت این دو اما نوع و فضای کاری که هر کدام داشتند، تفاوت یاور و حشمت به حساب می‌آید.

دیروز تا امروز

یکی از زوج‌هی که ستایش را با یاور متمایز می‌کند، زمانی است که این دو سریال قصه را در بستر آن پیش بردند. در ستایش قصه از دهه ۶۰ شروع شد و در فصل‌های بعدی کمی جلوتر رفت تا به حال رسید، البته که در مجموعه یاور هم این اتفاق با پلی بین دهه ۶۰ و زمان حال در یک قسمت رخ داد اما باز هم اصل بستر زمانی این دو با هم متفاوت است، چرا که پرداخت به دهه‌های قبلی در ستایش به شکل مبسوط و برنامه‌ریزی شده‌تری اتفاق افتاد اما در سریال یاور، آن مقطع زمانی تنها به شکل یک گذر نمایش داده شد و اصل قصه در همین روزگار پیش می‌رود و نمایش آن بخش قدیمی تاثیر چندانی در پیشبرد داستان ندارد.

زنان در سایه؟



در میان غالب شخصیت‌های مردهایی‌که سعید مطلبی در این دو سریال نوشته‌است، مردسالاری دیده می‌شود و برخی حتی افکار برخی از این شخصیت‌ها را زن‌ستیزانه می‌دانند. برای نمونه وقتی شخصیت عروس در

سریال وقتی با همسرش دچار چالش می‌شود شوکت و یاور، ابتدایی‌ترین راه‌حل را برای گذشت از این بحران انتخاب می‌کنند و در دیالوگ‌ها و در کنش‌هایشان مثل به آرایشگاه بردن زن و لباس‌ها تازه برای او خریدن، این آسیب را بسیار سطحی می‌پندارند. با اتخاذ این روش در واقع بخش زیادی از تقصیر خیانت مرد را به خاطر ناهوشیاری زن می‌دانند. پس تا اینجا یی کار انفعال زیادی از زنان قصه یاور به‌ویژه خانواده او می‌بینیم. بازی‌ای که شاید با پررنگ شدن شخصیت زن دوم جمال تغییر کند. در ستایش اما با وجود مردسالاری، زنان پویاتر بودند و تاثیر آنان در پیشبرد قصه و برهم زدن مسیر یی که مردان برایشان ریل‌گذاری کرده بودند، بیشتر بود. نمونه بارزش هم شخصیت خود ستایش بود که مقابل فردوس درآمد.

سعید مطلبی وجود دارد که این مورد را نشان می‌دهد. مثلا تکیه‌کلام مشهور فردوس در سریال قبلی، یعنی «افتاد» و حرکت دست او در مجموعه یاور با بازی معلم او دیده شد. در سینمای آن طرف آب اسپین‌آف‌سازی سابقه طولانی دارد. نمونه‌اش انیمیشن مینیون‌هاست که از شخصیت‌هایی در فیلم من نفرت‌انگیز گرفته شده. در ایران هم حامد عنقا سعی داشته به این موضوع نزدیک شود اما همچنان می‌توان گفت نمونه کاملی از آن را شاهد نیستیم و به این دلیل و هم به خاطر ناآشنایی مخاطب با این سبک، شبیه‌کپی‌سازی پیش می‌آید که دامن سریال یاور را هم گرفته است.

آرمان زرین‌کوب، تهیه‌کننده سریال یاور که تهیه‌کنندگی ستایش را هم برعهده داشت، در این باره با ایسا گفت‌وگو داشته و بیان کرده‌است: به هر حال قصه‌ای نوشته می‌شود، شخصیتی در جریان آن قصه خلق و بر مبنای تعریفی که آن درام دارد، انتخاب می‌شود که آن شخصیت چه مختصاتی داشته‌باشد و این‌که کاراکتر بر مبنای شخصیت اجتماعی‌اش، شبیه چه شخصیتی باشد. مگر ما شبیه حشمت فردوس در جامعه‌مان کم آدم داریم. خیلی‌ها در همین موقعیت اجتماعی هستند. اگر شباهت را در این می‌بینید، می‌توان گفت بله یاور شبیه حشمت فردوس است. ما در این سریال، با قصه دیگری طرفیم و بازیگر انتخابی‌مان بر اساس نقشی است که روایت شده‌است و در نهایت به آقای داریوش ارجمند رسیدیم؛ چون بازیگری مایه‌آزای



ایشان کمتر در شرایط فعلی موجود بوده‌است. در تعریف شخصیتی که آقای مطلبی (نویسنده سریال یاور) آفریدند، انتخاب به سمت بازیگری مثل آقای داریوش ارجمند می‌رفت. توانایی در اجرای این نقش و سابقه‌ای که با لحن نوشته آقای مطلبی دارند، می‌توانست کار را بهتر و باورپذیرتر کند. بله؛ می‌توان گفت یاور و حشمت فردوس از جهاتی شبیه‌اند و این هیچ ایرادی ندارد. ما سریال‌هایی داریم که مضمون آنها آنقدر شبیه هم‌است که به راحتی می‌توان تشخیص داد در روال داستان چه اتفاقی خواهد افتاد و چنین سریال‌هایی به موازات هم ساخته می‌شوند. حال ما در دو کار، انتخاب‌مان آقای داریوش ارجمند بوده‌است و این اشکال نیست. اما قصه چیز دیگری را روایت می‌کند و ملودرام اشک‌آور نیست. یاور یک ملودرام اجتماعی است که هم تم جوانمردی دارد و هم گرهِ‌های معمای. انتخاب آقای داریوش ارجمند به عنوان شخصیت اصلی، بر مبنای سریال ستایش نبوده بلکه بر اساس تعریف فیلم‌نامه، از حضور ایشان بهره گرفته‌ایم. ما حتی با بازیگران دیگر هم گفت‌وگو کردیم اما آقای ارجمند در این نقش باورپذیر و مناسب‌تر بودند و بازیگری را پیدا نکردیم که بتواند به قدرت آقای ارجمند نقش را ایفا کند. ما بازیگری در سطح آقای داریوش ارجمند، که هم محبوب باشد و هم شخصیت را در قالب خود درست ایفا کند، کم داریم. از طرفی در این شرایط کرونا، دسترسی به آنها سخت بود. آقای ارجمند هم به دلیل سابقه کاری‌شان در کار ما با رعایت پروتکل‌ها مجاب شدند که در این کار با ما همکاری کنند. اما در نهایت انتخاب ما انتخاب درستی بود. شاید لحن شخصیت یاور، شبیه حشمت فردوس در سریال ستایش باشد، اما سریال یاور داستانی محزا از ستایش است و مهم، درگیر شدن مخاطب با قصه و جذابیت آن است.